آخر خط

ماجرای سرقت‌های بی‌دردسر دزدها

ابوعطا| نه پلاک دارند و نه شماره‌ای روی بدنه‌شان حک شده تا در صورت گم‌شدن بتوان ثابت کرد که دوچرخه متعلق به چه‌کسی است. تنها مدرک نسبتا قانونی موجود، فاکتورهای غیررسمی فروشگاه‌هاست که مطمئنا رد یک دعوای حقوقی کیفری، مدرک قابل‌اعتنایی نخواهد بود. اگر تا دیروز سرقت دوچرخه به علت قیمت پایینش چندان اهمیت نداشت، این روزها دوچرخه‌ها نیز پابه‌پای دیگر کالاها رشد قیمتی عجیبی را تجربه کرده‌اند؛ تا جایی که قیمت برخی دوچرخه‌ها تنه به موتورسیکلت‌ها می‌زند. حالا با این افزایش قیمت، شاید بهتر است که شرکت‌های داخلی تولید دوچرخه ملزم به حک‌کردن سریال روی بدنه و دیگر قطعات مهم دوچرخه‌ها شوند تا در صورت ربوده‌شدن، مراجع انتظامی و قضایی، راحت‌تر بتوانند با این کدهای اختصاصی، مالک این وسایل نقلیه را شناسایی کنند. این‌ها را نوشتیم تا بگوییم مأموران کلانتری شهید هاشمی‌نژاد در پی شکایت شهروندان مبنی بر سرقت دوچرخه‌هایشان از پارکینگ‌ها و انبارهای منازلشان، توانستند با ورود به این پرونده پس از بازبینی تصاویر دوربین‌های مداربسته محدوده سرقت‌ها، متهم را شناسایی کنند. مأموران در ادامه با هماهنگی قضایی متهم را دستگیر و از مخفیگاهش یک دوچرخه سرقتی کشف کردند. متهم در بازجویی‌های به‌عمل‌آمده تاکنون به پنج فقره سرقت دوچرخه اعتراف کرده که احتمال اینکه مرتکب سرقت‌های بیشتری نیز شده باشد، وجود دارد.

خبر روز

قتل دخترخاله به خاطر سرقت طلا

تسنیم| مرد جوانی که در اقدامی هولناک دخترخاله خود را به قتل رسانده بود، با تلاش‌های کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ دستگیر شد. سه‌شنبه‌شب زن جوانی هراسان با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، تماس گرفت و با صدایی لرزان به اپراتور گفت: جسد خونین خواهرم را در اتاق خواب پیدا کرده‌ام و خانه نیز آتش گرفته است. لطفا کمک کنید.
طولی نکشید که ماجرای این مرگ مشکوک در بی‌سیم کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ پیچید و خیلی زود تیم بررسی صحنه جرم راهی خانه مدنظر در شهرک گلستان شد و تحقیقات جنایی را آغاز کرد. تیم جنایی در یکی از اتاق‌های خواب خانه با جسد زن جوانی روبه‌رو شد که بر اثر ضربه چکش به سر و بریدگی گلو به قتل رسیده بود. در بررسی‌های اولیه آثار سرقت از خانه مقتول کشف شد و در نخستین گام فردی که موضوع را پلیس گزارش داده بود، هدف تحقیق قرار گرفت. او ماجرا را این‌طور توضیح داد: برای انجام کار شخصی از خانه بیرون رفتم؛ اما هنگامی که بازگشتم، متوجه بوی سوختگی در یکی از اتاق‌ها شدم. زمانی که به آنجا رفتم، با جسد خونین خواهرم مواجه شدم. او ساعتی قبل گفته بود که قرار است با پسرخاله‌ام ملاقات کند.
تیم جنایی پس از دریافت این اطلاعات مهم، اقدامات فنی و مخابراتی را کلید زدند و متوجه شدند که پسرخاله مقتول مدت زیادی در صحنه جرم حضور داشته و اکنون به خانه خود واقع در شرق تهران رفته است. کارآگاهان به‌دنبال کشف این سرنخ مهم، راهی مخفیگاه متهم در شرق تهران شدند و پس از تعقیب و مراقبت‌های نامحسوس، متهم را در عملیاتی منسجم، بازداشت کردند. در ادامه نیز طلاهای مسروقه مقتول از جیب شلوار او کشف شد.
متهم که در جریان بازجویی‌ها منکر جرم خود بود، پس از مواجهه با شواهد و مدارک موجود، به قتل دخترخاله خود با انگیزه سرقت طلا اعتراف کرد.

جهان حوادث

کامیون شن کم آورد و خون به راه انداخت

ایسنا| یک مقام ارشد امدادی اندونزی اعلام کرد امروز (چهارشنبه) بر اثر برخورد یک کامیون با یک دستگاه اتوبوس کوچک در استان «جاوه مرکزی» در این کشور، یازده نفر کشته و پنج نفر دیگر زخمی شدند. این کامیون که شن حمل می‌کرد، نتوانست از یک جاده سربالایی بالا برود و به‌سمت چپ به عقب رفت و ابتدا به اتوبوسی کوچک و بعد به یک خانه برخورد کرد.

ده‌ها کشته در تصادف اتوبوس و بودابودا

مهرا| درپی برخورد یک اتوبوس با یک موتورسیکلت تجاری- که با عنوان بودابودا شناخته می‌شود- در مرکز اوگاندا، اتوبوس کنترل خود را از دست داد و پس از واژگونی، آتش گرفت. هنوز تعداد دقیق قربانیان اعلام نشده است؛ اما رسانه‌های محلی گزارش داده‌اند که احتمالا چهل مسافر از هفتاد سرنشین این اتوبوس جان باخته باشند.

سقوط جنگنده ارتش فنلاند

ایلنا| ارتش فنلاند اعلام کرد که یک جت جنگنده متعلق به نیروی هوایی این کشور سقوط کرده است. این حادثه در نزدیکی فرودگاهی در شمال فنلاند رخ داد و رسانه‌ها اعلام کردند که خلبان از هواپیما بیرون پریده و به بیمارستان منتقل شده است. هرچند خبرگزاری‌های محلی گزارش داده‌اند که دود از محل سقوط هواپیما به هوا برخاسته و بوی دود غلیظی در هوا به مشام می‌رسید، اما منطقه توسط پلیس محلی محاصره شده است.

قتل جوان در شعبه یک بانک

صداوسیما| جوانی سی‌ساله برابر دیدگان مشتریان و کارکنان بانکی در انگلیس با ضربات پی‌درپی چاقو به قتل رسید. به نوشته رسانه‌ها، جوان غرق خون در شعبه بانک لویدز در خیابان سنت پیتر شهر دربی‌شایر، به طرز غم‌انگیزی جان باخت و مشتریان و کارکنان را تکان داد. ضارب نیز پس از جنایت متواری شده است. هویت و انگیزه مهاجم و مقتول، هنوز اعلام نشده است.

متهمی که در یک نزاع، دوستش را به کما فرستاده بود، گوشه خرابه دستگیر شد

حمله به رفیق برای چند پک قلیان

سعید جلائیان

گزارش

پس از مطالبه ساکنان منطقه رسالت از پلیس برای پاک‌سازی معتادان متجاهر، اراذل و اوباش و مخلان امنیت و...، با دستور سرهنگ محمد چراغ، فرمانده انتظامی مشهد، نیروهای دایره اطلاعات کلانتری خواجه‌ربیع زیر نظر سرهنگ روحا... شجاعی، فرمانده این کلانتری، طرح پاک‌سازی و جمع‌آوری معتادان متجاهر در این منطقه به اجرا گذاشته شد. لحظاتی پس از آغاز عملیات، توجه مأموران به چهار جوان جلب شد؛ جوان‌هایی کم‌سن‌وسال که در یک خرابه مشغول استعمال موادمخدر صنعتی بودند.
مأموران پس از هماهنگی، به منظور انتقال این افراد به یک مرکز ترک اعتیاد، آن‌ها را به کلانتری خواجه‌ربیع منتقل کردند؛ جایی که در آن با تیزهوشی یکی از افسران پلیس، مشخص شد یکی از این جوان‌ها، یک متهم فراری است. متهمی به نام جلیل که دارای سوابق شرارت است و از ۴۶ روز قبل، حکم جلب او به‌دلیل شرکت در یک نزاع و به‌کمافرستادن یک جوان، صادر شده است.
پیگیری پرونده نزاع که به اواخر سال گذشته بازمی‌گردد، نشان می‌دهد در آن زمان یک گروه متشکل از ۱۰ نوجوان و جوان، با هم برای گشت‌وگذار در شهر قرار می‌گذارند؛ قراری که به‌دلیل برودت هوا و آغاز بارندگی، به هم می‌خورد و آن‌ها در خانه یکی از این جوان‌ها در خیابان رسالت ۹۱ گرد هم جمع می‌شوند. آن‌ها چایی دم می‌کنند و یکی هم شروع به آماده‌کردن بساط قلیان می‌کند. قلیان که چاق می‌شود، آن را به وسط سالن می‌آورند تا همه به نوبت مشغول شوند. چند دقیقه بعد برای دست‌به‌دست‌کردن قلیان، بین آن‌ها اختلاف پیش می‌آید. برخی افراد مانند حسین که با ۳۵ سال سن از همه بزرگ‌تر بود، انتظار داشتند که دوستانشان احترامشان را نگه دارند و پیش از دیگران قلیان بکشند؛ توقعی که نوجوانان نه‌تنها به آن توجه نکردند، بلکه برخی از آن‌ها مانند جلیل، شروع به فحاشی کرد.

بیرون‌کشیدن قمه برای ردنکردن قلیان

به همین سادگی بزم دوستانه این گروه به هم می‌خورد و همه مشغول فحاشی به یکدیگر می‌شوند تا اینکه یک نفر به قلیان لگد می‌زند. با افتادن قلیان، میزبان، زغال‌ها را از روی فرش جمع می‌کند و جلیل هجده‌ساله نیز قمه‌اش را از کمربند شلوارش بیرون می‌کشد و ضربه‌ای محکم بر سر رفیقش می‌زند. ضربه جلیل، کاری بود؛ به‌طوری که حسین از هوش می‌رود و کنار قلیان روی زمین می‌افتد. جلیل قمه‌اش را دوباره داخل کمربند شلوارش می‌گذارد و بلافاصله با موتورسیکلت از محل می‌گریزد.
با رفتن جلیل، دو نفر دیگر نیز از این خانه فرار کردند؛ اما دیگران ایستادند و با اورژانس و خانواده حسین تماس گرفتند.
دقایقی بعد، کارشناسان اورژانس، حسین را که با مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کرد، به مرکز درمانی منتقل کردند؛ بیمارستانی که کادر درمان با انجام چند عمل جراحی، تلاش خود را برای نجات جان حسین به کار بستند، اما او به کما رفت.

دستگیری جلیل در خرابه

مأموران پلیس با توجه به احتمال مرگ حسین، برای دستگیری متهم، تلاش گسترده‌ای را آغاز کردند. با این حال هیچ ردونشانی از جلیل به دست نیامد تا اینکه بامداد دیروز، جلیل به همراه سه جوان دیگر، در یک خرابه حین مصرف موادمخدر صنعتی دستگیر و به کلانتری خواجه‌ربیع منتقل شد.
متهم پس از دستگیری، خودش را با یک نام جعلی معرفی کرده و قرار بود به همراه سه معتاد دیگر با دستور مقام قضایی به کمپ ترک اعتیاد منتقل شوند. امور اداری هر چهار نفر درحال انجام بود که یکی از افسران کلانتری خواجه‌ربیع، پس از مشاهده این نوجوان‌ها، چهره جلیل به نظرش آشنا آمد. او مطمئن بود درگذشته این نوجوان را دستگیر کرده است و این موضوع را با رئیس کلانتری در میان گذاشت.
با ارائه گزارش این مأمور، با دستور رئیس کلانتری، پیش از انتقال این چهار جوان به مرکز ترک اعتیاد، از جلیل بازجویی شد. جلیل در ابتدا روی نام جعلی‌اش تأکید می‌کرد و می‌گفت در این دنیا کسی را ندارد؛ اما سرانجام مقاومتش شکست و نام اصلی‌اش را بر زبان آورد. با مشخص‌شدن هویت او، مأموران در سامانه پلیس به بررسی سوابقش پرداختند.

اعتراف جلیل به نزاع

جلیل که دیگر حنایش رنگی نداشت، در ادامه بازجویی اعتراف کرد که اواخر سال گذشته با یکی از دوستانش به‌دلیل ردنکردن شیلنگ قلیان، دعوا کرده است. او همچنین مدعی شد در آغاز آن نزاع، حسین فحاشی کرده و در ادامه او با استفاده از قمه‌اش، ضربه‌ای محکم به سر حسین زده و پس از این درگیری، وقتی شنیده است که حسین به کما رفته و به احتمال زیاد خواهد مرد، دیگر به خانه‌اش بازنگشته و آواره شده است. به‌دنبال این اعترافات مهم که با روشن‌شدن هوا هم‌زمان شده بود، سرنوشت حسین نیز در بیمارستان مشخص شد.
چند ساعت بعد، مادر حسین به‌عنوان شاکی، همراه با حکم جلب جلیل به کلانتری خواجه‌ربیع مراجعه کرد. او در همان ابتدا، جلیل را شناخت و از جوان هفده‌ساله‌ای که به خاطر یک قلیان، قصد کشتن پسرش را داشته است، شکایت کرد.

بیرون‌آمدن حسین از کما

جلیل در حالی که به محاکمه و طناب دار فکر می‌کرد، ناگهان مادر حسین درباره آخرین وضعیت حیاتی پسرش، خبر خوشی به او و دیگران داد؛ خبری که باعث شد این متهم جوان اگرچه باید به زندان می‌رفت، اما پیش از آن نفس راحتی بکشد. این مادر به مأموران و متهم گفت که اگرچه شرایط حیاتی پسرش هنوز به‌طور کامل تثبیت نشده، اما همین چند روز قبل حسین از کما بیرون آمده است.
تا مشخص‌شدن وضعیت حسین در بیمارستان، رسیدگی به این پرونده ادامه خواهد داشت.

عکس تزئینی است

خبر روز

دستگیری غارتگران تاریخ، پیش از عمل

سهیل دیبا| آن‌قدر مشکوک بودند که مأموران با دیدنشان در کوره‌راه یک جاده روستایی به آن‌ها مشکوک شوند و دستور ایست بدهند. سه مرد سبیل درررفته در یک پراید زهوار درررفته، آن هم در جاده‌ای خاکی، هیچ امکان گریزی پیش روی خود نمی‌دیدند و ناچار به فرمان پلیس تن دادند. مأموران پاسگاه انتظامی گوجگی در حال گشت‌زنی در حوزه استحفاظی‌شان توانسته بودند این افراد را شناسایی کنند. مأموران از سه مظنون خواستند بدون هیچ اقدام اضافه‌ای از خودرو پیاده شوند. در بازرسی بدنی از متهمان چیزی دست مأموران را نگرفت. افسران پاسگاه در ادامه به سراغ خودروی آن‌ها رفتند و از راننده خواستند درِ صندوق خودرو را باز کند. راننده این‌پا و آن‌پا کرد تا شاید بتواند مأموران را دست‌به‌سر کند؛ اما با اصرار پلیس ناچار شد اندازی یک سودجویی کثیف پرده بردارند. مأموران در بازرسی از صندوق این خودرو، یک دستگاه گنج‌یاب و ابزارآلات حفاری کشف کردند و متوجه شدند که این افراد جزو حفاران غیرمجاز هستند که با استفاده از دستگاه گنج‌یاب در جست‌وجوی زیرخاکی بوده‌اند. متهمان پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند.

حادثه داغ

سرقت سحرگاهی نافرجام ۲ نوجوان

سعید جلائیان| ساعت ۵:۴۵ صبح بود که فردی در منطقه بلال در مسیر رفتن به محل کارش مشغول گفت‌وگو با تلفن همراهش شد. او درحالی که هنوز خواب از سرش نپریده بود، در حال پیاده‌روی در حاشیه یک بوستان بود که در یک لحظه ترک‌نشین یک موتورسیکلت دونفره تلفن همراهش را قاپیده و فرار کردند. اگرچه این اتفاق خیلی سریع رخ داد، اما مال‌باخته که متوجه شباهت ظاهری راکب و ترک‌نشین نوجوان موتورسیلکت شده بود، با سروصدا دنبال آن‌ها دوید. راکب موتورسیکلت که فقط شانزده‌سالش بود، با شنیدن صدای مال‌باخته و پیش از اینکه وارد خیابان اصلی شود، تمرکز و کنترل موتورسیکلت را از دست داد و زمین خورد. دو پسر نوجوان پس از بلندشدن با پای پیاده از محل گریختند و درهیمن لحظه مال‌باخته به موتورسیکلت رسید. این فرد کنار موتورسیکلت واژگون ایستاد و با صدای بلند به دوگوشی قاپ گفت: «گوشی‌ام را بیاورید تا موتورسیکلت را پس بدهم»؛ بعد هم موتورسیکلت را به پارکینگ بوستان بهار برد و با شماره تلفن همراه خودش تماس گرفت که پس از چند زنگ، گوشی خاموش شد. از این سرقت سی دقیقه نگذشته بود که یک پسر نوجوان به پارکینگ بوستان بهار آمد. مال‌باخته که کارمند شهرداری بود، به‌محض دیدن این نوجوان، او را شناخت. این پسر با لحن تهدیدآمیزی گفت: «موتورسیکلت رفیقم را بده تا گوشی را پس بدهم»؛ درخواستی که مال‌باخته نه‌تنها به آن تن نداد، بلکه با کمک نیروهای حراست شهرداری در بوستان بهار، این نوجوان را که بعد مشخص شد شهروز نام دارد، تحویل کلانتری خواجه‌ربیع دادند. مأموران این کلانتری نیز در بازرسی از شهروز، گوشی سرقتی را کشف و به مال‌باخته پس دادند.
مأموران با دستور سرهنگ روحا... شجاعی، رئیس کلانتری خواجه‌ربیع و پس از هماهنگی با مقام قضایی، با انجام تمهیدات خاصی به بازجویی از شهروز پرداختند. متهم شانزده‌ساله در بازجویی‌ها اعتراف کرد که موتورسیکلت متعلق به همدستش حامد است؛ شخصی که او را مجبور کرده به بوستان بهار برگردد و موتورسیکلت را پس بگیرد. شهروز در ادامه پای برادر دوقلویش را هم به میان کشید و به مأموران گفت که او به همراه برادر دوقلویش سرقت را انجام داده‌اند. پلیس در عملیاتی ضربتی حامد و شهرام، دیگر متهمان پرونده، را دستگیر کردند. با انتقال متهمان به کلانتری، شهرام که شباهت زیادی به شهروز داشت، ناگهان مدعی شد به‌دلیل زمین‌خوردن با موتورسیکلت از ناحیه پا دچار شکستگی شده است، ادعایی که باعث انتقال او به بیمارستان شد. اگرچه پس از تصویربرداری و معاینه مشخص شد او قصد تمارض و احتمالا فرار داشته است. پس از تکمیل روند درمان و تحقیق از او، هر سه متهم نوجوان با دستور مقام قضایی برای سپری‌کردن یک دوره بازپروری تحویل کانون اصلاح و تربیت شدند.
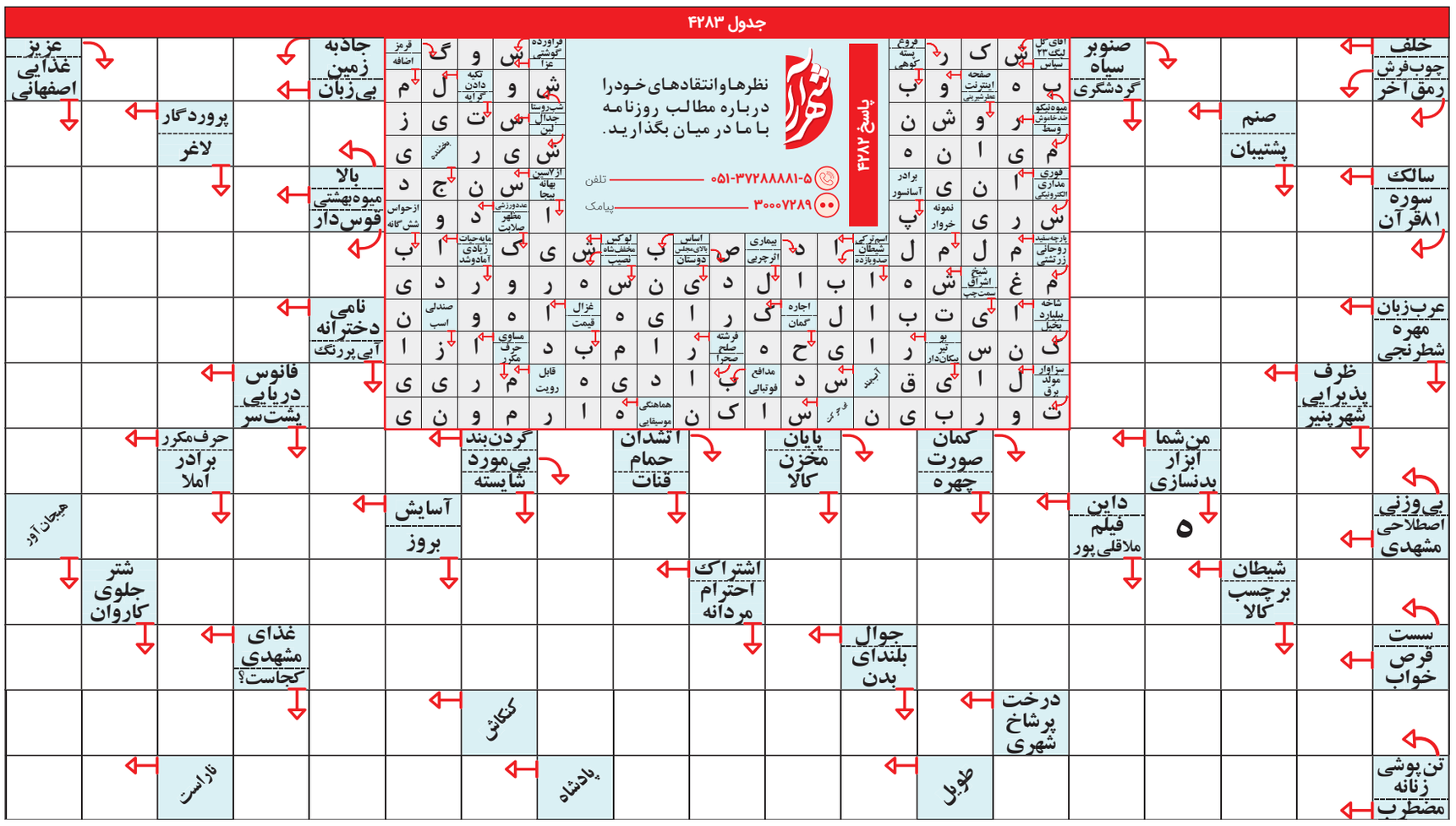
جدول ۴۲۸۳